

## زندگی نامه و آثار ایساگ باشویتس سینگر

سینگر روزنامه‌نگار، رمان نویس، داستان کوتاه‌نویس و مقاله‌نویس آمریکایی متولد لهستان که جایزه نوبل ادبیات را در سال ۱۹۷۸ برد. موضوع اصلی آثار سینگر زندگی سنتی مردم لهستان در دوره‌های مختلف تاریخی عموماً قبل از آدم‌سوزی همگانی است. او اختصاصاً نقش اعتقاد یهودی را در زندگی شخصیت‌هایی که از مصائب، جادو، ریاضت و پرستش مذهبی خسته شده‌اند، امتحان کرده است. سینگر معتقد است که یک نویسنده‌ی خوب اساساً یک داستانگوست، نه یک ادیب یا نجات‌دهنده‌ی نوع بشر. «من شروع به نوشتن کردم حتی پیش از آن که الفبا را بیاموزم. قلم را توی جوهر فرو می‌کردم و خط خطی می‌کردم. نقاشی را هم دوست داشتم؛ اسب‌ها، خانه‌ها، سگ‌ها. تحمل روزهای شنبه برای من بسیار سخت بود چرا که نوشتن در آن روز ممنوع بود.» («یک روز شادی» ۱۹۹۶)

ایساگ باشویتس سینگر با نام اصلی ایساگ هرستز سینگر در شهر رادزیمین نزدیک ورشو در لهستان به دنیا آمد. پدرش یک خاخم هاسیدیک بود. مادرش، باشبیا، دختر یک خاخم بود. زمانی که سینگر سه ساله بود خانواده به ورشو نقل مکان کردند، جایی که پدرش سرپرستی یک دادگاه خاخمی را بر عهده داشت. جایی که او به عنوان یک خاخم، قاضی و رهبر روحانی عمل می‌کرد. سینگر سال‌های بسیاری را نیز در بیلگورای - یک دهکده یهودی سنتی - سپری کرد. او آموزش‌های سنتی یهودیان را فراگرفت و با قانون یهودی به زبان عبری و از روی متون ارمنی آشنا شد. همه در خانواده می‌خواستند که داستان بگویند و سینگر نیز در سن بسیار پایین شروع به ساختن داستان‌های خودش کرد.

سینگر در ۱۹۲۰ وارد مدرسه‌ی علوم دینی خاخم‌ها - تاچکمون - شد اما بعد به بیلگورای بازگشت و به تدریس زبان عبری پرداخت. در ۱۹۲۳ سینگر به ورشو رفت و در آن‌جا به عنوان تصحیح‌کننده‌ی (خواننده‌ی دست‌نویس‌ها) برای

"Literarische Bleter" که برادرش I.J.Singer ویراستارش بود مشغول به کار شد. سینگر تریلرهای آلمانی و آثار نویسندگانی چون کانت هامسان، توماس مان و اریک ماریا رمارک را به عبری ترجمه کرد. از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ ویراستار همکار "Globus" بود.

به عنوان یک رمان نویس سینگر کارش را با «شیطان در گورای» آغاز کرد که در ۱۹۳۲ در لهستان منتشر شد. این کتاب به روش زبان‌شناسانه و معناشناسانه به صورت تقلیدی از کتاب‌های عبری قرون وسطایی تاریخچه‌ای نوشته شده بود. داستان

عموما بر اساس حوادثی شکل گرفته بود که برای مسیح تقلبی قرن ۱۷ - شاباتانی روی - اتفاق افتاده بود و پرتراهی از تب مسیحی‌گری را رنگ آمیزی می‌کرد. در کار بعدی‌اش «برده» (۱۹۶۲)، سینگر دوباره به قرن ۱۷ باز می‌گردد. این بار با یک داستان عاشقانه درباره‌ی یک مرد یهودی و یک زن غیر اهل کتاب که رابطه‌شان به دلیل پس‌زمینه‌های متفاوت‌شان تهدید می‌شود.

در ۱۹۳۵ سینگر به عنوان خبرنگار خارجی به کارکنان "Jewish Daily Forward" پیوست. برای فرار از ضد سامی‌گری، سینگر در ۱۹۳۵ به آمریکا رفت و از همسر اولش راشل و پسرش عزرائیل که به مسکو و سپس به فلسطین رفتند، جدا شد. او در نیویورک ساکن شد، جایی که برای روزنامه‌ی عبری زبان "Forverts" کار می‌کرد. در ۱۹۴۰ با آما هیمن یک مهاجر آلمانی که برای چندین سال در بخش انبار نیویورک کار می‌کرد ازدواج کرد. سینگر در ۱۹۴۳ یک شهروند آمریکایی شد. اولین مجموعه داستان او به زبان انگلیسی «گیمیل احمق» در سال ۱۹۵۷ منتشر شد. این اثر توسط سال بلو ترجمه شده بود و در ۱۹۵۲ در "Review Partisan" منتشر شد. از بین داستان‌های منتشر شده در "Daily Forward" بعدها تعدادی انتخاب شدند و در دو کتاب به نام‌های «در دادگاه پدرم» (۱۹۶۶) و «داستان‌های بیش‌تری از دادگاه پدرم» (۲۰۰۰) به صورت مجموعه درآمدند. پدر سینگر برای‌شان تنها یک مرد پرهیزگار بود که با خواندن تلمود (قوانین شرعی یهودی) خوشحال بود. مادرش عملگراتر بود و امیدوار بود که شوهرش توجه بیش‌تری به پول و مشکلات هر روزه نشان دهد.

با انتخابش برای انستیتو ملی هنرها و نامه‌ها در ۱۹۶۴، سینگر به تنها عضو آمریکایی آن‌جا تبدیل شد که به زبانی غیر از انگلیسی می‌نوشت. خودش معتقد بود: «عبری زبان معقول و فروتن همه ماست، زبان ویژه انسانیت وحشت زده و امیدوار.» سینگر ۱۸ رمان منتشر کرد، ۱۴ کتاب کودک و تعدادی مقاله و نقد، اما در آمریکا احتمالا بیشتر از همه به عنوان یک داستان کوتاه‌نویس شناخته شده است. هر چند آثارش در نسخه انگلیسی‌شان شناخته شده‌اند، او در اصل آنها را به زبان عبری نوشته است. سینگر با بسیاری از مترجمان برجسته همکاری کرده است، که در میان آنها سال بلو هم وجود دارد اما بیشتر از همه سیسیل هملی دیده می‌شود. بسیاری از داستان‌هایش با نام مستعار «ایساک باشویس» منتشر شدند و برای روزنامه‌نگاری از نام «وارشوفسکی» استفاده می‌کرد. از فیلم‌هایی که بر اساس داستان‌های او ساخته شده اند می‌توان به این موارد زیر اشاره کرد: جادوگر لوبلین (۱۹۷۹) به کارگردانی مناهام گولان. ("Yentl" ۱۹۸۲) ساخته باربارا استرایسند. دشمنان: یک داستان عشقی (۱۹۸۹) به کارگردانی پل مازورسکی و با شرکت آنجلیکا هیوستن و لینا اولین. مازورسکی فیلمنامه را با همکاری راجر ال. بیمن

نوشت. قهرمان داستان یک روشنفکر یهودی است که برای فرار از مرگ در آدم سوزی برنامه ریزی می‌کند. او در بروکلین ساکن می‌شود و بعد از ازدواج مجدد می‌فهمد که همسر اولش نیز فرار کرده و به آمریکا آمده است.

از معروف‌ترین کارهای سینگر «خانواده موسکات» (۱۹۵۰) است که اولین رمان منتشرشده از او به زبان انگلیسی است. حماسه‌ی خانوادگی در «ملک اربابی» و «ملک» ادامه پیدا کرد. «جادوگر لوبیلن» که به زبان‌های مختلفی ترجمه شد، درباره‌ی یک جادوگر قدرتمند و زوال اوست. «شوشا» (۱۹۷۸)، یک داستان عاشقانه است که در سال‌های ۱۹۳۰ در لهستان اتفاق می‌افتد و سینگر در آن به خیابان‌های دوران کودکی - کروچمالنا - برمی‌گردد. مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه سینگر شامل «یک دوست کافکا» (۱۹۷۰) و «مرگ متوسالچ و داستان‌های دیگر» (۱۹۸۸) می‌شود. رمان‌های شبه اتوبیوگرافی او مثل «در دادگاه پدرم» و «عشق و تبعید» (۱۹۸۸) اغلب روی تربیت و پرورش «هاسیدیایی» سینگر در لهستان و نتیجتاً شورش او علیه آن‌ها تمرکز دارند. رفتار شخصیت‌های سینگر در قبال مذهب ثابت نیست، خود نویسنده نیز از تعصب ایدئولوژیکی دوری می‌کرد.

رمان‌های سینگر ساختار و وضع ظاهری طبیعی و اجتماعی واقع‌گرایانه‌ای دارند. سینگر توجه زیادی به طرح داستان و شخصیت‌ها می‌کند، خصوصاً به شهوت‌های جنسی‌شان. اما از طرف دیگر با حقایق معنوی و جادوی فراروی زندگی روزانه نیز سر و کار دارد که همین مسأله داستان‌هایش را از واقع‌گرایی سنتی جدا می‌کند. خودش معتقد است: «به نظر می‌رسد که آنالیز شخصیت‌ها بالاترین سرگرمی انسان است و ادبیات آن را بر خلاف غیبت، بدون اشاره به اسم‌های واقعی انجام می‌دهد.» (از مصاحبه‌ای با ریچارد بورگین در نیوورک تایمز در ۲۴ نوامبر ۱۹۷۸)

سینگر به‌عنوان یک نویسنده نقش و تاثیرگذاری خود را حاشیه‌ای می‌داند یا همان‌طور که خود توضیح می‌دهد: «نویسنده‌ها می‌توانند ذهن را به حرکت درآورند اما نمی‌توانند آن را هدایت کنند. زمان چیزها را تغییر می‌دهد، خدا چیزها را تغییر می‌دهد، دیکتاتورها چیزها را تغییر می‌دهند اما نویسنده‌ها نمی‌توانند چیزی را تغییر دهند.» در بیش‌تر ۱۴ سال آخر زندگی دوورا تلوشکین که او را در ۱۹۷۹ زمانی که ۲۱ ساله بود ملاقات کرد، دستیار سینگر بود. بعدها تلوشکین کتابی نوشت به نام «استاد رویاها» (۱۹۹۷) که درباره‌ی رابطه‌اش با این نویسنده‌ی بزرگ بود. سینگر در ۲۴ جولای ۱۹۹۱ درگذشت.